

پنجشنبه ۱۱ شهریور ۱۴۰۰ - ۲۴ محرم ۱۴۴۳ - ۲ سپتامبر ۲۰۲۱ - سال بیستم - شماره ۵۵۰

**مردم سالاری**

رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی گفت: پرونده جشن مهرگان دومین جشن بزرگ ایرانیان باستان با پیشنهاد دفتر ثبت آثار و حفظ و احیای میراث‌معنوی و طبیعی در پژوهشکده مردم‌شناسی برای ثبت جهانی آماده می‌شود.

به‌گزارش پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، علیرضا حسن‌زاده با اعلام این خبر، مهرگان را پس از نوروز بزرگ‌ترین جشن ایرانیان باستان خواند که با اعتدال پاییزی، زمان برابری شب و روز پیوند داشته و در دوره‌هایی از دوران باستان که آغاز پاییز، آغاز سال نو بوده برگزار می‌شده است. حسن زاده با بیان اینکه جشن مهرگان به عنوان آیین مشترک ایران و تاجیکستان در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار خواهد گرفت، خاطر نشان کرد: این آیین هم اکنون در بین جوامع روستایی زرتشتیان ایران و مردم تاجیکستان اجرا می‌شود. او مهرگان را آیین شکرگزاری نسبت به نعمات خدایوند دانست و گفت: مهرگان گفتمانی است که انسان را به ایجاد رابطه صلح‌آمیز با طبیعت و قدردانی از نعمات الهی که همان ثروت طبیعی است دعوت می‌کند. عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری، اظهار کرد: بررسی این آیین در ایران و تاجیکستان در واقع بنیشه‌های فرهنگی و تمدنی دو کشور را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که این دو سرزمین ریشه‌های دوستی جدانشدنی دارند.

حسن‌زاده افزود: در شرایطی که جهان آکنده از آسیب‌های زیست‌محیطی است این جشن انسان را به توسعه پایدار و حفاظت از طبیعت برای آیندگان فرا می‌خواند. در جلسه آینده شورای ثبت میراث‌ناملموس که به احتمال زیاد پاییز برگزار می‌شود این پرونده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در میان همه جشنهایی که در ایران باستان فراگیر بوده است دو جشن از دیگر جشنها بزرگ‌تر و برجسته‌تر بودند و نیاکان ما این دو را بیش از دیگر جشنها ارج می‌گذاشتند و بزرگ می‌داشتند و در برگزاری و برپایی آنها کوشش و پیگیری بیشتری نداشتند. این دو جشن «نوروز» و «مهرگان» بودند که نخستین نویدبخش بهار و رفتن زمستان و همراه با سرسبزی و خرمی جهان بود و دومی در نیمه دوم سال برپا می‌شد، زمانی که گرمای سوزنده تابستان سپری شده و هوای دلپذیر پاییزی جای آن را گرفته است.

به گزارش «مردم‌سالاری آنلاین»، جشن مهرگان در روز مهر از ماه مهر (روز شانزدهم مهرماه به گاهشماری کهن و

**مهرگان**، جشن گرامیداشت مهر و پیمان

# آماده‌سازی پرونده جشن مهرگان برای ثبت جهانی

دهم مهرماه به گاهشماری امروزی(ب) آغاز و تا روز رام از ماه مهر (روز بیست‌ودوم مهرماه به گاهشماری کهن و شانزدهم مهرماه به گاهشماری امروزی) در شش روز دنبال می‌شود. جشن مهرگان از آن فرشته مهر است که در اوستا میترا نامیده شده و به معنی فروغ خورشید و مهر و پیمان است. گفته شده است که فریدون، پادشاه پیشدادی، در این روز بر ضحاک تازی پیروز شد و او را گرفت و در کوه دماوند بند کشید و تاج شاهی ایران‌زمین را بر سر نهاد. ایریوچان بیرونی در «آثار باقیه از مردمان گذشته» در بخش «گفتار درباره ماههای ایرانی» بند ۳۶ و ۳۷، درباره مهرگان چنین می‌نویسد: «روز شانزدهم مهر – که «روز

است که شاهان ایران درفش او را خسته و شگومند دانست‌اند – گویند که از پوست خرس یا شیری بوده – آن را «درفش کاوایان» نامیدند، که سپس با زر و گوهرها آراسته شد. نیز گفته‌اند که فرشتگان برای یاری فریدون در آن روز فرود آمدند، و رسم بر این شد که در سرای شاهان و در شبستان کاخ، مردی دلاور هر بامداد بگاه به آوای بلند بانگ برمی‌داشت: ای فرشتگان! به گیتی فرود آیید، دیوان و بدکاران را فرؤ گویند، و آنها را از این جهان برانید.»

مهرگان، چونان نوروز، آیینهای ویژه خویش را داشته‌است. یکی از این آیینها این بود که ایرانیان در این روز رختهایی نو می‌پوشیدند و به یكدیگر و به پادشاه پیشکشهایی می‌دادند، و در این روز، همچون نوروز، خوانجهای می‌انداختند و بر آن هفت دانه مورد، خوشهای انگور سپید، سیب، به، نیلوفر، شک و لیمو می‌نهادند. همچنین، اگر در این روز نوزادی زاده می‌شد نامی که بسوی می‌نهادند واژه مهر نیز درش بود، همچون: مهریان، مهراد، مهبران، مهردخت، مهزنا، مهربانو و … پادشاه ایران نیز به نشانه آمدن سرما، رختی از خز می‌پوشید و آیین‌های تابستانی خویش را می‌بخشید. وی همچنین در این روز، بار همگانی می‌داد. کنزیاس یونانی، پزشک دربار اردشیر دوم، می‌نویسد که شاهنشاهان هخامنشی هیچ نیابستی مست گردند مگر در روز جشن مهرگان که جامه‌هایی گرانبها به رنگ ارغوانی می‌پوشند و به باده‌گساری می‌پردازند. استرابو از تاریخ‌نگاران و جغرافی دانان بنام یونانی نیز گفته است که در جشن مهرگان ساتراپ ارمنستان ۲۰ هزار کوه اسب پیشکشی به دربار شاهنشاه هخامنشی می‌فرستاد. آیینهای جشن مهرگان، همچون جشن نوروز، پس از تازش تازیان از میان نرفت و در روزگار خلفای عباسی نیز شکوهی هر چه بیشتر برگزار می‌شد.

در روزگار غزنویان نیز سلاطین غزنوی مهرگان را با شکوهی بسیار جشن می‌گرفتند و در این جشن پیشکشهایی فراوان به دربار فرستاده می‌شد. سلطان در برابر خوان مهرگان می‌نشست و گرداگردش را بزرگان فرمای گرفتند و شاعران شادباش در همین روز، با تاجی بوده بودند یکیک می‌خواندند و خنیاگران نواهای خوش ساز می‌کردند. در تاریخ بیغقی چندین جای گزارش جشنهای مهرگان آمده است.

پس از ترک‌تازی مغولان، گرچه از شکوه این جشن کاسته شد ولی هرگز فراموش نشد و زردشتیان همیشه آن را با شکوهی ویژه برگزار کرده‌اند و می‌کنند.



نمایش گذاشتیم. در واقع اطمینان دارم و می‌دانم تا قبل از این که دولت قبلی سقوط کند آن آثار محفوظ بود، مگر این‌که در این تحولات غارت شده باشد. رئیس موزه ملی افغانستان با این وجود تاکید می‌کند: من بارو ندارم که این گنجینه غارت شده باشد، باید یک بار دیگر آن‌ها راچک کنیم. اکنون نمی‌توانیم به صورت دقیق بگوییم که این آثار موجود هستند یا غارت شده‌اند؟ در واقع آثاری که در خود موزی هستند هر روز بررسی می‌شوند اما آثاری که در ذخیره‌گاه‌های ما قرار می‌گیرند در نقاط مصون‌تری هستند که نیاز است آن‌ها بررسی شوند.

رحیمی همچنین درباره شرایط فعالیت موزه ملی افغانستان در بحران کنونی این کشور اظهار می‌کند: فعلا وضعیت نرمال نیست و موزه با خطرات زیادی مواجه است، ما ترجیح می‌دهیم که در شرایط کنونی موزه تا مدتی تعطیل باشد تا این بینیم طالبان چه تصمیمی دارد. در وقتی نخست باید معلوم شود که آن‌ها چه کاری می‌کنند. به گزارش ایسنا، ترس از غارت و تخریب آثار تاریخی افغانستان، آن هم در شرایطی که طالبان در پیش از دو دهه پیش رد خوبی از خود به جا نگذاشته و با تلاش و در ۲۵ ژوئ ۲۰۰۵ دو مجسمه ثبت جهانی شده افغانستانی‌ها را تخریب کرد، بیش از گذشته هشدارها را نسبت به وضعیت میراث تاریخی این کشور غنی علنی‌تر کرده است، به حدی که با انتشار پیام موزه ملی افغانستان برای درخواست کمک از جامعه جهانی و حتی خود طالبان؛ مردم در پیام‌هایی جداگانه درخواست پنهان کردن آثار تاریخی افغانستان را از معرض دید گرداند. «همراز نجیب» از مسئولان موزه درخواست کرده: «پرس صاحب، آثار را از تمام نمایشگاه‌ها به دیوهوا منتقل کنید و در جای نامعلوم. امروز قیامت بود بالایم چون هرگز فکر نمی‌کردم اینقدر دزد و راهزن در داخل کابل وجود داشته باشد» «آختر جواد» هم درخواست خود را این طور مطرح کرده است: «اگر ما (جامعه موزه‌های

## گنجینه افغانستان چه سرنوشتی پیدا می کند؟

او انتشار اعلامیه‌ای را با مضمون درخواست کمک‌های جهانی برای حفاظت از موزه ملی افغانستان، به همین دلیل عنوان می‌کند و ادامه می‌دهد: ما در روز نخست حضور طالبان در کابل، در صفحه فیس‌بوک موزه ملی افغانستان یک هشدار دادیم که باید از آثار موزه حفاظت کنیم و خوشبختانه آن موثر شد و توانستیم آثار موزه ملی را حفاظت کنیم.

وی با بیان این‌که متأسفانه در طول روزهای گذشته تا اندازه زیادی حاکمیت در افغانستان وجود ندارد، اظهار می‌کند: اگر چه طالبان در شهر کابل هستند اما احتمال سوء استفاده گروه‌های مختلف با یونیفرم یا لباس طالبان وجود دارد، همان‌طور که چندین بار برخی افراد به خانه‌های مردم وارد شده و دارایی‌های آن‌ها را چور (غارت) کرده‌اند. رحیمی با بیان این‌که تشویش داشته‌اند که آثار موزه ملی غارت نشود، ادامه می‌دهد: توانستیم که در همان زمان و در مدت دو یا سه روز اول، با ارتباطات شخصی و امکاناتی که داشتیم چند نفر را به عنوان محافظ در موزه بکماریم تا بتوانیم از ورود چپاولگران احتمالی به موزه ملی افغانستان جلوگیری کنیم. خوشبختانه تا کنون به این شکل ادامه داده‌ایم و هیچ کدام از آثار موزه ملی گم یا سرقت نشده‌اند. وی تاکید می‌کند: تلاش می‌کنیم تا مسئولان این گروه را پیدا کنیم و آن‌ها را متقاعد کنیم که بتوانند از موزه ملی افغانستان محافظت کنند تا کنون این کارها را کرده‌ایم و خوشبختانه آثار محفوظ مانده‌اند. رئیس موزه ملی افغانستان با تاکید بر وجود گرانی‌هایی که برای تخریب میراث فرهنگی افغانستان، به واسطه علار سایر موزه‌ها در کشور وجود دارد، ادامه می‌دهد: باید آهسته آهسته ببینیم چه اتفاقاتی رخ می‌دهد و کجاها صدمه دیده‌اند، فعلا ما در یک سردرگمی هستیم، رحیمی درباره سرنوشت وضعیت «گنجینه باختر» یا «گنج تپه طلا» با تاکید بر آسانه بودن «فسانه هفت کلید و هفت معتمد» برای قرار دادن این گنجینه در مخازن موزه؛ اظهار می‌کند: این آثار از زمانی که حفريات انجام شد و آن‌ها به موزه ملی داده شدند، متعلق به این موزه است و کلیدهای آن نیز نزد معتمدان موزه ملی افغانستان است.

وی با تاکید بر نظارت‌های مدت‌دار از گنجینه‌های تاریخی موزه ملی افغانستان، اظهار می‌کند: به این دلیل که از آثار خود مطمئن باشیم همیشه آثار قرار گرفته در مخازن داخل موزه ملی را بررسی می‌کنیم، اما آثاری چون گنجینه باختر را که در ذخیره‌گاه (مخزنی) به جز موزه ملی است، چند ماه یک بار بررسی می‌کنیم.

آخرین زمان بازرسی گنجینه باختر را مربوط به چند مسه قبل می‌داند، زمانی‌که شایعاتی مبنی بر غارت گنجینه از افغانستان به کشورهای اروپایی مطرح شده بود؛ برای این که خودمان مطمئن باشیم و به مردم نیز اطمینان دهیم که آثار حفظ است آن‌ها را برای یک روز به

همه چیز از هشدارها و درخواست‌ها برای حفاظت از آثار تاریخی موزه ملی افغانستان آغاز شد. از نامه ایکوم جهانی گرفته تا رؤسای موزه‌های مختلف که هدفشان جلوگیری از تکرار فاجعه ۲۰ سال قبل در افغانستان بود.

به گزارش ایسنا، تجربه ۲۰ سال قبل تخریب دو مجسمه بزرگ «صلصال» و «سَنهمامه» بسودا در ولایت بامیان افغانستان باقی مانده از سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۰ میلادی که به فتوای ملا محمد عمر، رهبر وقت این گروه یا جاسازی دینامیت منفجر و به سنگ‌ریزه تبدیل شدند، ترس بیشتری را این‌ساز به تن فقلمان و علاقه‌مندان به حفاظت از میراث فرهنگی در افغانستان و دیگر کشورها انداخت.

مدیر موزه ملی افغانستان برای حفاظت از آثار تاریخی این کشور و به خصوص موزه ملی از جامعه جهانی؛ مردم علاقه‌مند به حفاظت از آثار تاریخی افغانستان نیز در پیام‌های مختلف درخواست کردند تا این آثار تا حد امکان از معرض دید پنهان شوند.

حتی در یکی از نخستین قدم‌ها محمد فهیم رحیمی -

مدیر موزه ملی افغانستان - بعدازظهر دوشنبه ۲۵ مرداد، در پیامی که در صفحه موزه ملی افغانستان در فیس‌بوک منتشر کرد، از جامعه جهانی و مسئولان امنیتی برای حفاظت از آثار تاریخی افغانستان و به خصوص موزه ملی این کشور درخواست کمک کرد.

او در این مطلب تاکید کرده بود که «متأسفانه شهر کابل امروز شاهد هرج و مرج بی‌سابقه بوده و در ساحات مختلف شهر با استفاده از این فرصت غارتگران کوشش‌هایی را برای غارت و تخریب اموال عامه و خصوصی نمودند.اگرچه تا کنون کارمندان موزیم (موزه) ملی افغانستان آثار و اموال این نهاد مصون می‌باشند ولی ادامه این هرج و مرج سبب نگرانی جدی مسولیت موزیم ملی افغانستان از مصونیت آثار و اموال موزیم ملی افغانستان گردیده است. بنا از تمام مسولین امنیتی، جامعه جهانی، طالبان و سایر نهادهای تاثیر گذار خواهشمندیم تا به امنیت و مصونیت موزیم ملی افغانستان توجه جدی نموده و نگذارند تا این وضعیت سبب غارت و تخریب آثار و اموال این نهاد ملی گردیده و فرصت‌طلبان از آن استفاده نمایند.»

محمد فهیم رحیمی - رئیس موزه ملی افغانستان - چند

روز بعد از تصرف کابل توسط طالبان، درباره سرنوشت این

موزه در افغانستانی که تاریخ آن غنی و همگام با تاریخ ایران

فرهنگی است، در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا توضیحاتی ارائه

کرد.

رحیمی می‌گوید: متأسفانه در طول روزهای گذشته کشور افغانستان در هوای سیاسی و هوای قدرت قرار گرفت، رئیس جمهور کشور را ترک کرد. نیروهای طالبان در کابل مستقر شدند و همین باعث شد که یک نوع هرج و مرج در شهر کابل ایجاد شود که آن برای حفاظت از آثار موزه ملی افغانستان بسیارنگران کننده بود.



مرحوم کاوه افضلی درباره گویندگی در کارتون «گوریل انگوری» گفته بود: گوریل انگوری دوبله خاورهاوتگیزی دارد و در اوایل انقلاب با نور شانزده میلی‌متری کار کردیم، یکی از بهترین تپیه‌های صدایم را به جای «بیگی بیگلی» گفتم که همیشه از تماشای

نداد؛ صدای ماندگار از نسلی که به مرور از دشتشان می‌دهیم و نگرانی‌های بسیاری برای جایگزین شدن آنها وجود دارد. علی اصغر کاوه افضلی با صدای ماندگارش به دلیل تپیسازی‌های متفاوت کم‌دی در فیلم‌ها و کارتون‌ها مشهور بود و شخصیت‌های محبوب بسیاری از کارتون‌های دهه ۶۰ و ۷۰ را برای کودکان و بزرگسالان از نو ساخت. او گوینده شخصیت‌هایی چون «پرنس جان» در کارتون «رابین‌هود»، «داگار» در «گره‌های اشراقی»، «تنارده» در بینویان، «روباه» در پسر شجاع، «وروجک» در کارتون «وروجک و آقای نجار»، «کارآگاه گجت» و «بیگی بیگلی» در گوریل انگوری و «واتو واتو» بود. اصغر افضلی (متولد ۱۳۱۷ در تهران) در سال ۱۳۴۶ به طور حرفه‌ای کار دوبله را آغاز و در سال ۱۳۴۶ برای نخستین بار مدیر دوبلاژی را تجربه کرد. پیشینه فعالیتش به حضور در تئاتر فرودسی به

عنوان بازیگر در میانه دهه ۱۳۳۰ برمی‌گردد. او در آن سال‌ها همبازی بازیگران مشهوری چون منیره تسلیمی (مادر سوسن تسلیمی، جهانگیر فروهر، نصرت‌الله وحدت، همت آزاد و مهری ودادیان بود. ام‌ا این صاحب صدای ماندگار دوبله، علاقه بسیار به جان بخشی به شخصیت‌های کارتون‌ی داشت؛ «هنگامی که در برخورد با بچه‌ها، محبت‌شان را حس می‌کردم، عشقم به دوبله کارتون بیشتر می‌شد و سعی می‌کردم در درجه اول آنان را شاد کنم و یادگار خوبی از من در ذهنشان باقی بماند.» صدا و ستوداد گویندگی افضلی را نخستین بار احمد رسول‌زاده کشف کرد. اولین بار افضلی در فیلم فرانسوی «سه‌چرخه‌سوار» در نقش کوتاهی حرف زد و این فیلم در استودیو پلازا دوبله شد. علی اصغر کاوه افضلی یادآور شده است: دوبله آن زمان حال و هوای دیگری داشت و مثل حالا ماشینی نبود که همه چیز با جله

اخبار کوتاه

**پیام علی نصیریان به وزیر ارشاد:**

**ایران به نوشداروی هنر رویننه‌تن است**

علی نصیریان هنرمند پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون در پیامی به محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم، نوشت: ایران به نوشداروی هنر رویننه‌تن است. به گزارش گروه فرهنگی ایرنا از روابط عمومی اداره کل هنرهای نمایشی، در پیام‌ علی نصیریان به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است: به گواه تاریخ، هنر در سرزمین سربلند ما، برهیمنه و هیبت‌بخش بوده است و میراثی اگر به مانایی باقی‌ست، حکماً به گوهر هنر است. کهن سرزمین ما، ایران، اگر به همه تاریخ، زخمی بر تن داشته است و دارد، به نوشداروی هنر، رویننه‌تن است و فضیلت و فرخستگی این خاک، ریشه در معرفت و مهارت و مجاهدت، هنرمندانی دارد که با آبدی و اعتبار و اعتلای انسان اندیشیدهدان و در صحرای جسدل و کویر گمراهی، رستگاری انسان را آرزو کرده‌اند. از این روست که تجسم تاریخ، بدون احصاء و ابقای موارث هنری و نکوداشت آداب و آیین، هنرمندان و بی‌توجه به گرانبمایه آثار آن‌ها ممکن نخواهد بود. شرح شریف هنر و هنرمند را می‌توان از نظر معمار سخن حضرت سعدی نوشید که: «هنرمند هرچا که رود قدر ببند و در صدر نشیند»… بازیگر سربال هزاردستان افزوده است: جناب آقای محمدمهدی اسماعیلی، وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، خرسندیم که در این نهمراهی با هم در آیینه خواهیم نگریمست که مشحون از راستی و رستگاری است و آرزومندیم که در این هم‌نوردی بیش از پیش به ارتفاع عشق و اوج آگاهی نزدیک شویم که راه راه است و دشوار. این هنرمند پیشکشوت هنرهای نمایشی نوشته است: هنر، آموزگار سخاوت و کیمیای جان‌بخشی و گنجینه سعادت است. امیدواریم از این بخشش مینوی، چراغی به آینده برافروزید و از پس ایامی که به‌اعتزاز ورفاازنرو هنر و ارجمندی هنرمند خواهیم اندیشید، به مایملای نام و نشاندن خویش در خاطره هنر این سرزمین باقی بمانید. ایدن باد بدین تقال که:

هرآنکه جانب اهل وفا نگه دارد

خداش در همه حال از بلا نگه دارد

**کتابی درباره سه کارگردان**

**که مقابل فیلم‌فارسی ایستادند**

کتاب «صدای آینه‌ها»، راوی تلاش‌های سه‌چهره سینمای مستقل است که در زمانه تسخیر سینماها توسط فیلم‌فارسی، پایه‌های سینمای را که امروز به آن افتخار می‌کنیم استوار کردند. به گزارش ایرنا از ارتباطات و اطلاع‌رسانی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، کتاب صدای آینه‌ها شامل گفت‌وگوی معصومه کیانی با سه فیلمساز مطرح سینمای ایران خسرو سینایی، منوچهر طبیب و محمدرضا اصلائی است که به تازگی به همت مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، توسط انتشارات پرند راهی بازار شده است. این کتاب که مقدمه آن را ناصر ققوهی، استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران نوشته و طراح جلد آن بهزاد شیشه‌گران است، شامل سه بخش است: بهر اهل: همراه باد (گفت‌وگو با منوچهر طبیب)، پهر دومی: آواز سکوت (گفت‌وگو با خسرو سینایی) و بهر سوم: ساکن روان (گفت‌وگو با محمدرضا اصلائی). صدای آینه‌ها که علاوه بر متن مصاحبه‌ها حاوی قباله‌ای از این سینماگران و شرح‌حال زندگی‌شان است و ۱۰۰ هزار تومان قیمت دارد. سعید صادقی مدیرهنری و طراح گرافیک این کتاب است و سید امین سقراطی مدیریت اجرایی آن را برعهده داشته است.

### کرونا، ترمز فیلم جدید راسل کرو را کشید

فیلمبرداری فیلم مهیج «پوکر فیس» به کارگردانی «راسل کرو» به علت ابتلای یکی از عوامل به ویروس کرونا تعطیل شد. به گزارش ایرنا از پایگاه اطلاع‌رسانی وراثتی، تنها چند روز مانده به پایان فیلمبرداری فیلم پوکر فیس در سیدنی، راسل کرو روز گذشته با انتشار یک رشته تویت از تعطیلی این پروژه خبر داد و نوشت: متأسفانه ۶۰روز مانده به پایان فیلمبرداری پوکرفیس، تست کرونای یکی از اعضای تیم مثبت شده و یک نفر دیگر هم مشکوک به کروناست. برای تضمین سلامت بازیگران، عوامل پشت صحنه و جامعه، فیلمبرداری بلافاصله متوقف شد و قرار شد مادامی که شرایط مورد بررسی قرار می‌گیرد، همه تیم خوششان را قرنطینه کنند. ما در تمام طول فیلمبرداری شیوه‌نامه‌های سخت و سختی را رعایت می‌کردیم و در بیش از ۱۱ هفته گذشته بازیگران و عوامل پشت صحنه هفته ای سه بار تست کرونا می‌دادند. این ستاره ۵۷ سساله‌الیوودی در ادامه خاطرنشان کرد همه عوامل این فیلم تمام مدت ماسک می‌زدند به جز سه نفر که معافیت پزشکی داشتند. پوکر فیس داستان یک میلیاردر حوزه فناوری با بازی راسل کرو است که درگیر یک بازی پوکر حساس و پرخطره می‌شود. لیام همسورت و السا پاتاکلی از دیگر بازیگران این فیلم مهیج هستند که قرار است مصاحبه‌های تعقیب و گریز داخل شهری هم داشته باشد. براساس فیلمنامه اصلی، داستان فیلم در میامی اتفاق می‌افتاد اما برای آن که بتواند مناظر چشم‌نواز سیدنی را به بهترین بگذارد، تهیه‌کننده پروژه را متقاعد کرد فیلمبرداری در این شهر استرالیایی انجام شود، هرچند سیدنی در حال حاضر در قرنطینه است و سخت‌گیری‌های شدید کرونایی در این شهر ادامه دارد. فیلمبرداری پوکر فیس در مجتمع فاکس استودیوز واقع در سیدنی انجام می‌شود که در یک سال گذشته محل فیلمبرداری فیلم‌هایی چون شانگ چی و افسانه دو حلقه و تندر از دشمن سینمایی مارول بود. پوکر فیس دومین تجربه کارگردانی راسل کرو است که بیشتر به بازی در فیلم‌های معروفی چون محرمانه لس‌آنجلس، گلدباتور، ذهن زیبا و بینویان شناخته می‌شود. وی پیش‌تر در سال ۲۰۱۴ فیلم آبشاش (The Water Diviner) را ساخت و همزمان در آن بازی کرد. ویروس کرونا واسطه‌ ماه دسامبر (۲۴ آذر) در شهر روهان در استان هوچی چین گزارش شد. ابتدا از این بیماری به عنوان ذات‌الیه نام برده می‌شد اما کمیسیون ملی بهداشت چین در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ (۹ دی ماه ۹۸) به صورت رسمی شیوع این ویروس و سازمان جهانی بهداشت از آن با واژه هم‌گیج به یک کشورهای مختلف سرایت خبر ۲۱۸ میلیون نفر را در جهان مبتلا کرده است که از این میان بیش از چهار میلیون و ۵۲۰ هزار نفر جان باخته‌اند. شیوع این ویروس موجب تعطیلی بسیاری فعالیت و رویدادهای مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از جمله جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و بسته شدن سینماها، سالن‌های تئاتر و کنسرت و کانتروفوشی‌ها شد و تأثیرات منفی زیادی بر بازارهای جهانی و اقتصاد کشورها در بخش‌های گوناگون از جمله فرهنگ گذاشت.

### کوچک شدن غرفه ایران در نمایشگاه فرانکفورت

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران در نشست «هم‌اندیشی هفتادوسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت» از کوچک‌شدن غرفه ایران و کاهش نفرت‌اعزایی به این نمایشگاه به‌خاطر محدودیت‌های کرونا خبر داد. به گزارش ایسنا به نقل از روابط‌عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، ایوب دهقان‌کار، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات در نشست «هم‌اندیشی هفتادوسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت» که روز گذشته (نهم شهریورماه ۱۴۰۰) برگزار شد، با اشاره به این‌که در سال ۱۳۹۹ خانه کتاب و ادبیات ایران در نمایشگاه‌های مجازی کتاب خارج کشور حضور فعال داشته و در سال ۱۴۰۰ نیز در نمایشگاه بین‌المللی کتاب بغداد به صورت حضوری شرکت کرده‌ایم، بیان کرد: همه ما در نشست «هم‌اندیشی هفتادوسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت» دور هم جمع شده‌ایم، خواهان این هستیم که در این دوره از نمایشگاه حضور فاخر، ارز‌شمند و کیفی داشته باشیم تا شأن نشر جمهوری اسلامی ایران حفظ شود. او با بیان این‌که پیش‌فرض ما از تشکیل این جلسه، امکان حضور فیزیکی در هفتادوسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت است، اظهار کرد: برخی موارد به صورت قطعی از سوی مسئولان این دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت به ما اعلام نشده است و هفتادوسومین دوره از نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت با محدودیت‌هایی مواجه هستیم؛ نخست این‌که امسال به دلیل وجود شرایط کرونایی در جهان، فضای این نمایشگاه کمتر است و تنها در سه سالن اجرا می‌شود، همچنین به جهت رعایت فاصله‌های اجتماعی، راهروها عریض‌تر بوده و از سوی نیز فضای غرفه‌ها کوچک‌تر شده‌است، از این رو غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران کوچک‌تر از سال‌های قبل است، اما خوشبختانه با رازهای‌ای که با مسئولان برگزارری نمایشگاه داشتیم، توانستیم به‌رغم محدودیت‌ها ۴۰ متر غرفه دریافت کنیم. نکته دیگر این‌که حضور افراد در غرفه نیز با محدودیت‌هایی همراه است و در هفتادوسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت تعداد محدودی افراد می‌توانند در غرفه حضور داشته باشند و همین دلیل حضور پرمتکل، آژانس ادبی، ناشر و… در این دوره از نمایشگاه به عنوان نماینده کل کشور و سایر ناشران، آژانس‌های ادبی و… تاقی می‌شود.